

مطهری و شریعتی و... در افغانستان ممنوع شدند



عاطفه جعفری
مدیر گروه فرهنگ

«شریعتی»، «مطهری»، حتی «آوینی» در لیست کتاب های ممنوعه طالبان قرار دارند. هر کتابفروشی و کتابخانه ای این کتاب ها را داشته باشد باید جمع آوری کند و اگر این اتفاق نیفتد، جریمه سخت در انتظارشان خواهد بود. «برگشت به عقب»، شاید درست ترین توصیف برای این روزهای مردم افغانستان باشد. این جمله محمد علی است که با حسرت از اوضاع کتاب و نشر در افغانستان می گوید. چند روز پیش خبری در برخی رسانه ها منتشر شد که امارت اسلامی (طالبان) لیست جدیدی از کتاب های ممنوعه را اعلام کرده و گفته دیگر هیچ کتابفروشی و کتابخانه ای اجازه فروش و امانت این کتاب ها را ندارد. لیست منتشر شده کتاب های ممنوعه ۴۰۰ عنوان و موضوعاتی مانند حکومت داری مدرن، آزادی های سیاسی و کثرت گرایی مذهبی دارد، همچنین کتاب هایی که شامل موضوعاتی مانند دموکراسی و حقوق شهروندی اند، در لیست دیده می شود. البته در نگاه اول شاید این برداشت شود که فقط کتاب های سیاسی و مذهبی ممنوع شده اند اما جالب است بدانید ادبیات و شعر هم در این لیست وجود دارد، نام برخی شاعران و نویسندگان افغانستان که در ایران هم کتاب هایی را منتشر کرده اند در این لیست به چشم می خورد.

محمد علی که خودش سابقه کتابفروشی در افغانستان را دارد و الان در حال تحصیل در دانشگاه است، این مدل نگاه به کتاب ها را ناشی از به قدرت رسیدن طالبان می داند و می گوید: «همان ابتدای حضور طالبان می دانستیم که این اتفاق ها می افتد، اما خودشان با این مدل آمدند که ما به کتابفروشی و کتابخانه کاری نخواهیم داشت و همان قوانینی که از قبل بوده، اجرا می شوند؛ اما حالا این ممنوعیت هرروز مدلش تغییر می کند و کتاب های بیشتری اضافه می شوند.»

رسانه های مرتبط با افغانستان هم بعد از اعلام این خبر، گزارش های مختلفی را منتشر کرده و نوشته اند طالبان دستور داده این کتاب ها فروخته نشوند و از قفسه ها خارج شوند، نکته دیگر این است که به جای کتاب های ممنوع شده، کتاب هایی خاص مطابق با ایدئولوژی طالبان در کتابخانه های عمومی و کتابفروشی ها جایگزین می شوند. از دیدیهشت امسال، کتاب هایی که در لیست ممنوعه طالبان قرار داشت ۱۰۰ عنوان بود و اعلام شد کتابفروشان و کتابخانه ها قفسه های خود را از این کتاب ها خالی کنند. حالا بعد از گذشت ۶ ماه، این لیست به ۴۰۰ عنوان رسیده است و باید دید تا پایان سال چه کتاب هایی به این لیست اضافه می شوند.

سال هاست ایران و افغانستان به دلیل زبان مشترک شان در زمینه نشر با هم همکاری دارند و کتاب های ایرانی در افغانستان وجود دارد، کسانی که در این حوزه فعالیت می کنند، اذعان دارند صنعت نشر ایران به پیشرفت نشر افغانستان بسیار کمک کرده است.

به گفته فعالان حوزه کتاب و نشر که در افغانستان حضور دارند، این کشور تا سال ۲۰۰۰ در محدودیت های زیادی قرار داشت، از جمله اینکه تا سال ۱۹۹۵ طالبان در این کشور حکمرانی می کرد و قبل از آن مردم جنگ های داخلی را تجربه کرده بودند، بنابراین با توجه به ناآرامی های سیاسی و سانسور های شدید طالبان، کتابفروشی و ناشر به معنای واقعی وجود نداشت. آن زمان طالبان بر اساس فهرست کتاب های تولید شده که از سوی مراکز دولتی دریافت می کرد، کتاب های به اصطلاح ممنوعه را به آتش می کشید. در آن شرایط توان توسعه صنعت چاپ و نشر وجود نداشت، از سوی دیگر ناشران خصوصی هرگز حاضر به سرمایه گذاری در این حوزه نمی شدند. بعد از سال ۲۰۰۰ عواملی از جمله آزادی بیان، پیوستن به قانون کپی رایت و قوانین دیگر حمایت از مالکیت فکری ناشران موجب شدند ناشران نیاز جوانانی که در فضای باز به دانشگاه ها راه پیدا کرده بودند و همچنین مطالعه برای سرگرمی را پاسخ دهند. در مجموع تا قبل از ورود دوباره طالبان با وجود همه مشکلات اقتصادی و ادامه ناآرامی های سیاسی، ناشران خصوصی در افغانستان فعالیت می کردند و اوضاع تازه به ثبات رسیده بود اما شرایط فعلی و روبه رو شدن دوباره با طالبان باعث شده مشکلات این حوزه صدچندان شود.

ممنوعیت طالبان برای حوزه کتاب و نشر به نمایشگاه کتاب تهران هم رسید. سال ۱۴۰۲ پس از قدرت گرفتن امارت اسلامی در افغانستان، حضور ناشران این کشور با اما و اگر همراه شد و برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران، با ممیزی های فراوان طالبان روبه رو شدند و برخی ناشران هم اجازه حضور پیدا نکردند. در نمایشگاه کتاب امسال هم هیچ ناشری از افغانستان حضور نداشت.

در این گزارش جدولی را منتشر کرده ایم که ۴۰ عنوان از ۴۰۰ کتاب ممنوعه طالبان در آن وجود دارد، برخلاف اعلام طالبان که این کتاب ها را کتاب های دینی

و یا سیاسی عنوان کرده، کتاب های حوزه ادبیات هم وجود دارد و بر اساس اطلاعات خبرنگار «فرهیختگان» دولت طالبان ممنوعیت حوزه ادبیات را در این چند سال حضور در طالبان بیشتر کرده و نظارت جدی بر این حوزه وجود دارد. در گذشته کتاب های بسیاری از نویسندگان ایرانی در حوزه داستان و شعر به افغانستان می رسید و بسیار هم مورد استقبال بود اما در شرایط فعلی ورود کتاب های این حوزه با سخت گیری بیشتری انجام می گیرد.

یک ناشر افغانستانی که سال های زیادی است در کابل کتابفروشی دارد، معتقد است شرایط فروش کتاب به گونه ای شده که باید کتابفروشی اش را تعطیل کند، چون نمی تواند مخارج آن را تأمین کند، او که می خواهد نامش ذکر نشود، می گوید: «شما لیست جدید کتاب ها را ببینید، متوجه می شوید چه شرایطی برای چاپ کتاب وجود دارد. شرایط نشر کتاب در افغانستان، تازه به روزهای خوب رسیده بود اما دوباره با قوانین سخت گیرانه ای که حتی به زندان هم ختم می شوند، راهی برای ادامه مسیر نداریم! بسیاری تصمیم گرفته اند کتابفروشی شان را تعطیل کنند، چون فروش کتاب ندارند و از آن طرف هرروز باید درگیر جمع کردن کتاب هایی باشند که از ایران یا کشورهای دیگر رسیده است و دولت آنها را جمع می کند.»

این روزها آتش بدون دودی در افغانستان به راه افتاده که هیچ کس متوجه آن نمی شود، اگر شرایط به همین شیوه ادامه پیدا کند، اثری از داستان، شعر و حتی کتاب در کشور باقی نخواهد ماند.



برخی کتاب های ممنوع شده در افغانستان		
ردیف	کتاب	نویسنده
۱	جهت گیری طبقاتی اسلام	علی شریعتی
۲	کویبر	علی شریعتی
۳	انقلاب تکاملی اسلام	جلال الدین فارسی
۴	پیاپیبر (ص)	مرتضی مطهری
۵	اسرار عقب ماندگی شرق	ناصر مکارم شیرازی
۶	امامت و رهبری	مرتضی مطهری
۷	گل های عاشورا	محمد علی عارفی پارسى
۸	چهارده اختر تابناک	احمد احمدی
۹	فطرت و خرد	قاسم اخوان بشری
۱۰	جاسوسی انظار اسلام	حسین صبوری
۱۱	حرف هایی برای تو	مهسا طایع
۱۲	ترجمه مفاتیح العلوم	حسن خدیوچم
۱۳	خاطرات سفری به افغانستان	عبدالله اصغری
۱۴	سینمای سمرقند	سید حسن احمدی نژاد
۱۵	فتح خون	مرتضی آوینی
۱۶	تفسیر المیزان	محمد محسن طباطبائی
۱۷	وصیت نامه امام	علی رضا اسماعیل
۱۸	خاطرات حسن الانباء	جلال الدین فارسی
۱۹	عقل و وحی	حسن یوسفیان
۲۰	خاتمیت	مرتضی مطهری
۲۱	یاد یار	-
۲۲	احمد شاه مسعود نظری	-
۲۳	غرش طوفان	الکساندر دوما
۲۴	مفاتیح الجنان	شیخ عباس قمی
۲۵	گفتگوهای تنهایی	علی شریعتی
۲۶	روایت نابسامانی	محمد علی
۲۷	روایت خارجی ایران	محمود دهقان
۲۸	زندگی نامه آیت الله طالقانی	-
۲۹	حقوق اساسی اتباع در افغانستان	محمد موسی رحیمی
۳۰	حمایت از محیط زیست	عبدالرضا لطفی
۳۱	گفتگوهای تنهایی	علی شریعتی
۳۲	پس از مسعود	امراالله صالح
۳۳	افغانستان اسلام و دموکراسی	عبدالمجید صمیم
۳۴	مبارزه با نفس یا جهاد اکبر	امام خمینی (ره)
۳۵	سیری در سیره نبوی	مرتضی مطهری
۳۶	خاتمیت	مرتضی مطهری
۳۷	ارباب قبله عشق	مهسا طایع
۳۸	مقدمه علم حقوق	ناصر کاتوزیان
۳۹	ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس	اصغر جعفری
۴۰	سلام دیروز	فریده ذوالفقار

نگاهی به کتاب «دختر حاجی»

دختران پدر

آزاده جهان احمدی
نویسنده

لازم است از چند منظر به حضور زنان در جنگ پرداخته شود. در وجود زن لطافت هایی هست که او را از جنس مخالف متمایز می کند. در جریان دفاع مقدس و جهاد از منظر کلی انتظار می رود زمانی که دشمن هجوم می آورد و خاک وطن اشغال می شود، چه در سال های دفاع مقدس و چه الان در مورد مدافعین حرم، زن ها شکندند رفتار رفاقت کنند. ولی وقتی پای صحبت هایشان می نشینیم یا از نزدیک عملکردشان را می بینیم، متوجه می شویم جایی که قرار بوده تصمیم گیری کنند یا کنشی از خود نشان دهند بحث عاطفی را کنار گذاشتند و خوب درخشیدند. برای زنانی که آن زمان سن و سالی هم نداشتند جنگ و پیریزی بود که آنها را گلچین کرد و با همه مشکلاتش بار سنگینی بر دوش شان گذاشت؛ باری که تا الان هم از آن حرف می زنند و احساس می کنند که زنده است. قبل از شروع جنگ امام فرمان تشکیل جهاد سازندگی را داده بودند که آمادگی اولیه را برای خدمت رسانی در جامعه به وجود آورده بود. بخشی از اعضای جهاد دختران و زنان بودند که فعالانه در بخش های مختلف جهاد سازندگی مثل بهداشت، امور فرهنگی و آموزشی نقش داشتند و این خود مقدمه ای

برای حضور بعضی از خانم ها در فعالیت در جنگ بود و آنها توانستند به سرعت به فضای جنگ وصل شده و فعالیت شان را شروع کنند. اوایل شروع جنگ بعضی خانم ها قبل از شکل گیری رسمی ستاد های پشتیبانی جنگ فعالیت خود را در خانه هایشان شروع کردند و خدمت رسانی به جبهه را با توجه به ارتباطات شان و مطلع شدن از نیازهای جبهه آغاز کرده و در ادامه به ستاد های پشتیبانی رسمی جنگ وصل شدند.

یکی از این بانوان امدادگر در دوران دفاع مقدس، صدقیه منصوری است که خاطرات وی دستمایه تالیف کتابی با عنوان «دختر حاجی» به قلم زهره محمدی شده است. بانوی امدادگر دوران دفاع مقدس از دیگر زنانی پیشی گرفته که نقش بسیاری در جریان انقلاب داشته اند؛ برای اثبات اینکه تاریخ انقلاب اسلامی، زنانی قهرمان در دل این مملکت پروراندند است. منصوری پشتوانه ای محکم برای اعتقادات خود ساخت که کسی جرئت آسیب رساندن به اعتقاداتش را نداشت. ایمان و شجاعت را از همان دوران ابتدایی در وجود دختر حاجی می بینیم. قلبی تریس که او را از دیگر دانش آموزان متمایز می ساخت. قلب صدیقیه یا اعتقادات و حساسیت های پدر پدر برای دفاع از اسلام تریس شده بود. کتاب دختر حاجی که به گونه ای سرگدشت نامه اوست در پنج فصل؛ «توجه پدر»، «جسارت»، «خدمت اجباری»، «جدال با مجاهدین خلق» و «اعزام» روایتگر زندگی او از زمان تولد تا حضور در جبهه های جنگ برای امداد رسانی است. در فصل نخست به نقش پدر و حمایتگری وی از صدیقیه منصوری و در فصل دوم به جسارت و شهامت این بانوی ایرانی پرداخته شده است. فصل سوم با عنوان «خدمت اجباری» شامل خاطرات وی در دوره خدمت سربازی و حضور در سپاه دانش است. بخش «جدال با مجاهدین» نیز به خاطرات صدیقیه منصوری در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد که وی چندین خرابکار و منافق را شناسایی کرده است. تزریق آمپول هوا

به رزمندگان زخمی از جمله جنایت های رایجی بود که در آن دوره اتفاق می افتاد و صدیقیه منصوری در شناسایی و جلوگیری از وقوع آن نقش داشته است. در فصل پایانی «دختر حاجی» هم صدیقیه منصوری به خاطراتی اشاره می کند که با اینکه در دوره نامزدی بوده همراه با همسر خود عازم جبهه می شود و درحالی که حتی از حضور همسر در آن منطقه خبر نداشت، تمام تلاش و انرژی خود را صرف امداد مجروحان جنگی می کرد. در این گونه کتاب ها درکنار بازنمایی شخصیت باید از عوامل شخصیت ساز نیز سخن به میان آورد. مروری بر ابعاد شخصیتی بازنمایی شده سوزه نشان می دهد که می توان شخصیت را به سه گانه بینش، گرایش و کنش تقسیم کرد. در نگاهی کلی، بینش همان اعتقادات ریشه ای و نهادینه فرد است که چهارچوب اصلی شخصیت را شکل می دهد. به عبارتی بینش دورنی ترین سطح شخصیت یک انسان به حساب می آید و کنش بیرونی ترین سطح شخصیتی انسان یعنی رفتار و اعمالی است که از او ظهور و بروز می کند. در این میان، احساسات و حالات روحی فرد نیز که با عنوان گرایش نامیده می شود، نقشی بسیار مهم دارد و لایه میانی بین بینش و کنش قرار می گیرد. برای شناخت و تبیین شخصیت بررسی بینش گرایش و کنش شرط لازم است، ولی کافی نیست، زیرا عامل زمینه ای دیگری هم وجود دارد که بر بینش گرایش و کنش به طور مستقیم یا غیرمستقیم اثر می گذارد که به آن عوامل شخصیت ساز گفته می شود. یکی از مضامین گسترده ای که در حیطه بینش قرار می گیرد التزام به رعایت احکام شرعی است. اعتقاد قلبی و شناخت و آگاهی فرد به احکام شرعی با توجه به تازگی پیروزی انقلاب نشان می دهد که تا چه اندازه این شخصیت ها به آگاه سازی خود و دیگران با مطالعه و حضور در کلاس های اعتقادی سعی کرده اند اطلاعات و آگاهی خود را درخصوص احکام شرعی افزایش دهند و خود را مقید به رعایت کنند. در این میان عوامل شخصیت ساز نقش بسیار پررنگی در

ایجاد بستر اعتقادی فرد دارند. خانواده مقید به مکتب عاشورا و انقلاب اسلامی اهتمام ورزیدند به تربیت فرزند صالح است و برای رسیدن به این مهم از تقویت باورهای اعتقادی می گیرند. رعایت حجاب اسلامی در سخت ترین وضعیت مانند امدادگری یا هنگام اسلحه دست گرفتن و خدمت رسانی به رزمندگان در میدان نبرد و همچنین تقید به حفظ حریم محرم و نامحرم در این شرایط از اعتقاد قلبی و ریشه ای شخصیت ها ناشی می شود، زیرا حضور یک رزمنده و مدافع زن درکنار مردان رزمنده باعث از بین رفتن حریم میان زن و مرد در عین همکاری نمی شود. در نمونه ای از کتاب می خوانیم که «روحیه خودم از یک طرف و توصیه پدر که موقع خدا حافظی گفت: «مواظب حجاب باش» از طرف دیگر مدام در گوشم تکرار می شد یا باید این شرایط و قوانین سخت را می پذیرفتم و تحمل می کردم یا راهی پیدا می کردم و برای همیشه از صبحگاه و قوانین دردآورش خلاص می شدم.» تلاش نویسنده برای حفظ خط سیر زندگی سوزه کاملاً مشهود است و تقریباً همین تلاش هم موجب شده با یک زندگینامه منسجم روبه رو باشیم. از جانب دیگر نویسنده با انتخاب زاویه دید اول شخص قاب کار خود را روی دوربین فرضی چشمان خانم منصوری بسته است، این انتخاب قطعی تمام بانوان نویسنده است. هرچند این زاویه دید دارای محاسنی است اما نکته قابل توجه این است انتخاب زاویه دید و راوی سوم شخص برای نویسنده یک امکان بسط یافته است تا بتواند از منظر و موضعی بالاتر به سوزه و بستر زندگی و حرکات و اعمال او بنگرد، لکن نویسندگان مشغول در حوزه ادبیات جنگ مایلند در همان وضعیت استخراج اطلاعات از سوزه باقی بمانند و در بهترین حال به جای تالیف تدوین کنند. با همه این اوصاف معتقدم نباید زنج زهره محمدی را در خلق این اثر نادیده گرفت.